

فهرست

رده‌بندی
بخش اول - جرا واقعه‌های خوییم کرد
نگاه به پنهان
۱- عیارات مسیحیت
۲- عیارات روشنات
درباره‌ی خوب بودن

آلن دوباتن
عطاء حشمتسی

از مجموعه‌ی
مدرسه‌ی
زندگی

فهرست

۱. هدف از دوستی چیست؟	۴۷
۲. هدف از دوستی چیست؟	۱
۳. رنج کشیدن و میان‌مایگی	۵
۴. انگیزه‌ها	۶
۵. مؤدب بودن	۳۴
۶. بازنشستگی	۳۱
۷. ن نقطه ضعفِ قدرت	۲۰
۸. رنج کشیدن و میان‌مایگی	۲۶
۹. اندیشه‌ها و قهرمانان تراژیک	۲۳
۱۰. ن نقطه ضعفِ قدرت	۲۰
۱۱. بخش دوم . مهربانی	۱۷
۱۲. میراث تن‌کام‌خواهی: خوب اما بخار	۱۲
۱۳. میراث سرمایه‌داری: خوب اما ورشکسته	۱۱
۱۴. میراث رومانتیسیسم: خوب اما ملال آور	۱۰
۱۵. میراث مسیحیت: خوب اما ضعیف	۹
۱۶. بخش اول . چرا واقعاً نی خواهیم که خوب باشیم؟	۱
۱۷. خوبی و نی خواهیم که خوب باشیم؟	۵۸
۱۸. خوبی و نی خواهیم که خوب باشیم؟	۵۹
۱۹. خوبی و نی خواهیم که خوب باشیم؟	۶۰
۲۰. خوبی و نی خواهیم که خوب باشیم؟	۶۱
۲۱. خوبی و نی خواهیم که خوب باشیم؟	۶۲
۲۲. خوبی و نی خواهیم که خوب باشیم؟	۶۳
۲۳. خوبی و نی خواهیم که خوب باشیم؟	۶۴
۲۴. خوبی و نی خواهیم که خوب باشیم؟	۶۵
۲۵. خوبی و نی خواهیم که خوب باشیم؟	۶۶
۲۶. خوبی و نی خواهیم که خوب باشیم؟	۶۷
۲۷. خوبی و نی خواهیم که خوب باشیم؟	۶۸
۲۸. خوبی و نی خواهیم که خوب باشیم؟	۶۹
۲۹. خوبی و نی خواهیم که خوب باشیم؟	۷۰
۳۰. خوبی و نی خواهیم که خوب باشیم؟	۷۱
۳۱. خوبی و نی خواهیم که خوب باشیم؟	۷۲
۳۲. خوبی و نی خواهیم که خوب باشیم؟	۷۳
۳۳. خوبی و نی خواهیم که خوب باشیم؟	۷۴
۳۴. خوبی و نی خواهیم که خوب باشیم؟	۷۵

بخش سوم . دلنشیینی

۱. هدف از دوستی چیست؟

بخش اول

چرا واقعاً نمی‌خواهیم که خوب باشیم؟

اینکه بکوشیم تا آدم خوب‌تری باشیم، آرزوی بی‌وجه و نومیدکننده‌ای به نظر می‌رسد. ما در تئوری، به خوب علاقه داریم. اما در عمل، این مفهوم به شکل خجالت‌آوری بی‌خاصیت، سربه‌زیر، خسته‌کننده و حتی بی‌بخار است. این روزها آدم خوبی بودن مثل این است که تنها وقتی که همه‌ی گزینه‌های دشوارتر و سودمندتر از بین رفتند، بکوشیم که آن‌گونه باشیم.

بدگمانی ما نسبت به خوب بودن احساسی شخصی است، اما تاریخ طولانی‌ای دارد که رسوباتی از حداقل چهار جریان فرهنگی را با خود حمل می‌کند. باید آن جریان‌ها را بشناسیم.

لیکن، این نهاد را خوب نمی‌داند. چه بسا مسیحیت‌هی نوپست مردم و به خوب بودن مسئلّ سازد اما با پیوند زدنش به شکست، احساس ماندگاری ایجاد کرد. همین‌روز اینکه گوی خوب بودن اساساً مورد علاقه‌ی بازنده‌ها است.

- ۵۲ ۲. مشکل محبت بیش از حد
- ۵۷ ۳. چگونه بر شرم فائق آییم
- ۶۲ ۴. چرا با محبت سر به سر گذاشتن خوب و لازم است
- ۶۵ ۵. چگونه گرم باشیم
- ۶۹ ۶. چرا اظهار علاقه کردن مهم است
- ۷۵ ۷. چرا آدم‌های مهربان همیشه دروغ می‌گویند
- ۷۹ ۸. چگونه شنونده‌ی خوبی باشیم
- ۸۵ ۹. چگونه ذهن بازی داشته باشیم
- ۸۹ ۱۰. چگونه خسته‌کننده نباشیم
- ۹۴ ۱۱. چگونه درباره‌ی خودمان سخن بگوییم که باعث می‌شوند محبوبیت شایسته باشد.
- ۹۷ ۱۲. چگونه وراحی نکنیم
- ۱۰۱ ۱۳. افسون آسیب‌پذیری
- ۱۰۴ ۱۴. آزمون نهایی مهارت‌های اجتماعی

میراث مسیحیت: خوب اما ضعیف

برای قرن‌ها، مسیحیت تنها نیروی قدرتمندی بود که افق‌های فکری ما را شکل می‌داد و اساساً متعهد بود که خوب بودن را در جهان ترویج دهد. با عالی‌ترین منابع زیبایشناختی و فکری‌اش، بخشش، خیرخواهی، ملاطفت و همدلی را می‌ستود.

اما مسیحیت متأسفانه برای خوب بودن به همین اکتفا نکرد. مسیحیت پیشنهاد کرد که شاید مخالفت بنیادینی میان خوب بودن و موفق بودن وجود داشته باشد. به مسیحیان گفته می‌شد که افراد موفق در مجموع، آدم‌های خیلی خوبی نیستند و آدم‌های خوب هم در مجموع، افراد خیلی موفقی نیستند. گویی خواستاران قلمرو بهشت در معرض یک انتخاب بودند: یا خوب باشند یا موفق. این دوگانه درون هرکسی که در این جهان از صمیم قلب در آرزوی خوب بودن بود، این تمدن را خدشه‌دار کرد. چه بسا مسیحیت می‌کوشید مردم را به خوب بودن مشتاق سازد اما با پیوند زدنش به شکست، احساس ماندگاری ایجاد کرد مبنی بر اینکه گویی خوب بودن اساساً مورد علاقه‌ی بازنده‌ها است.

میراث رومانتیسیسم: خوب اما ملال آور

ما در دویست سال گذشته، شدیداً تحت تأثیر یک جنبش فرهنگی بوده‌ایم که آن را با نام «رومانتیک‌گرایی» یا «رومانتیسیسم» می‌شناسیم. برای رومانتیک‌ها، شخص مطلوب متزادف با آدم پرشور بود: کسی که آتشین و خلاق است، تیزهوش و خودانگیخته است، کسی که ممکن است سنت را آزده سازد و در حالی که ندای قلبش را دنبال می‌کند، این جسارت را دارد که تأثیرگذار و حتی گستاخ باشد.

برای رومانتیک‌ها صد و هشتاد درجه مقابل این، چهره‌ی حمامی کسی قرار دارد که آرام، محترم، مأخذ به حیا، محافظه‌کار و ساكت است: به عبارت دیگر، یک آدم ملال آور. اینجا نیز یک انتخاب اساسی وجود دارد: یا پرشور، غیرقابل پیش‌بینی و سرزنش‌ده باش یا آدم بی‌جربزه‌ی معمولی‌ای باش که همیشه رأس ساعت ۹ به رختخواب می‌رود.

میراث سرمایه‌داری: خوب اما ورشکسته

سرمایه‌داری تفسیری از جهان ارائه کرد که در آن، جهان همچون عرصه‌ای است که اساساً رقابتی بوده و در آن همه‌ی شرکت‌ها باید در جدالی همیشگی برای به دست آوردن سهم بیشتر از بازار باشند. در این تفسیر که جهان با صفاتی نظیر بی‌رحمی، قاطعیت و بی‌صبری شناخته می‌شود، سرمایه‌داری جرم دیگری را نیز به فهرست اتهامات وارد به «خوب بودن» اضافه کرد. کسانی که موفق هستند لابد می‌دانستند که چگونه رقبی را ناید کرده و بی‌هیچ نشانی از عطفت، کنترل نیروی کار را در دست بگیرند. اما فردی خوب که تمایلی ندارد که دستمزدها را پایین نگه دارد یا رقبی را بپیچاند احتمالاً یا ورشکست خواهد شد یا کارش به پادوبی خواهد رسید.

سرمایه‌داری بی‌شاید به توبه‌ی خود بخواهد رفاقت میان بنگاه‌ها را تعویت کند، اما این ممکنی به همکاری بین آن‌ها است. هیچ شرکتی نمی‌تواند برای مدعی ملوكی بدون اختیار و بیرون پیوتدی از عواطف شخصی به کار خود ادامه دهد. عمدی‌ی تاکمی میراث از اینجا است که نمی‌دانند پوله نمی‌تواند تعهدی را تعضیب کند که در همه‌ی حوزه‌های اقتصادی بی‌جنده از کارمندان انتظار می‌زند. تنها متنا و روح باریگری است که می‌تواند چنین کند. در آخر، اشخاص هنسی برای بد جنس بودن تنها در شرایطی که اعتماد وجود